

شهرزاده شاد

و افسانه‌های دیگر

اسکار وايلد / امير شادلو



فترت

٩	سخن مترجم
١٥	شهرزاده شاد
٣١	بلبل و گل سرخ
٤٥	نرگول خودخواه
٥٥	رفیق فداکار
٧٧	موشک برجسته

باشد که ناچار همه چه آن ملکه روحیه و تصور را در رساله
حسان سادگی نمایند. جملاتی که از اینجا آغاز شده اند
مشتی لکمالی اند. چون همه چیزی عطف بر علی (۱۹۵۷-۱۹۸۶) باشد، مادر
سایش بر آنین حسان استوار است. بین قصه هایی که علی از پیر کرده

رمعتیلکرد لصقیت و خود را که تردد نداشت از خالص نمکش بخوبی
هم به جز متدوال قرین نمی‌اش، نیز در کنایه‌چشم و شنیده‌گی از
بلطفه ایشان «نیمه» و «نیمه‌گلا» «نیمه» و «نیمه» نیز
و لهر و ملکه بخط عربی چاچیه «نیمه» و «نیمه» نیز مه نمکه رفته
و انتی همه رعیتی را داشت از این همه به درجه

نیمه روحنه اند آنچه نمکه را که نمکه نمکه را که نمکه نمکه نمکه

سخن مترجم

به پند ویراستار گرامی اشاره‌ای چند می‌آید:
اسکار وايلد اين پنج افسانه را برای فرزندان خود نوشته است. او
قلمش را در اين پنج زبردستانه هم به کودکانگی گردانده و هم به
شاعرانگی؛ از آن دست که کار سخنگویان رماتیک سده نوزده یا
غزل‌سرایان را «شاعرانه» می‌نامیم. با نگاهی باریک‌پیما سرچشم‌هایی
را می‌توانیم برشمرد که شور نوشتن در او او برانگیخته‌اند، و پودی چند
در تار افسانه‌ها تنبیده‌اند، که از جمله آن‌ها یکی هم ادب کهن‌پارسی
دریست، که در عهد ویکتوریا میان فرهیختگان و هنرمندان اروپایی
محبوبیت داشته. پس طبیعی‌ترین انتخاب برای مترجم پارسی‌گوی همین
باشد که در سپه زیبای ادب کهن خود تماشا کند، و جمله‌هایی به
همان سادگی و وضوح بنویسد که وايلد نوشته است.
نشانک‌گذاری، گرچه عین به عین با متن اصلی برابر نباشد، باری
بنایش بر آئین همان استوار است؛ بدین قرار که نشانک ویرگول



نگاره‌ها کار اورت شین (۱۸۷۶-۱۹۵۳) است. نگارگر
آمریکایی، مجموعه‌ای ساخته از هفت افسانه
وايلد(وینستن، ۱۹۴۰) که سه افسانه آغازین این
كتاب را دربرمی گيرد. تا کار يك‌دست بماند، از ميان
ديگر کارهای او نگاره‌هایی را برگزیديم که اندک
ربطی به دو افسانه پایانی می‌توانستند بیابند.
مجموعه شین چند نگاره رنگی هم دارد که چاپ
سياه‌وسفیدشان به دل نمی‌نشست.

عکس‌های پشت و روی جلد را از مجموعه‌ای
برگزیديم که عکاس آمریکایی ناپلئون سارونی
(۱۸۲۱-۱۸۹۶) در کارگاه خود در نیویورک از اسکار
وايلد برداشته است.

در نگریستن: به دقت نگریستن
هم: به جز متداول‌ترین معنی‌اش، نیز در کاربرد صوت تأکید، و
بعضًا حرف تعريف، و همچنین حرف ربط
هورچشم: بر ساخته بر پایه «عينالشمس»

بخشنده ساختمان جمله را نشانگری می‌کند، نه در نگهای طبیعی
را در آهنگ و لحن آن.

بین «استم» و «هستم»، «استی» و «هستی» و... طبیعتاً همان
فرقی هست که بین «است» و «هست». کاربرد هر یک به جای
دیگری، هر دو را از کارایی طبیعی خود بیندازد.

در آیین‌نامه‌های نوشتار توصیه‌هایی هست که برآمده از نوعی ذوق
و پسند استاندارد شده در تعريف بلاغت، فصاحت و زیبایی است. از
یاد نبریم که چنین توصیه‌ها دستور نیستند و رعایت کردن یا
نکردن شان از بیخ و بن به غلط و درست کاری ندارد. ما می‌توانیم
بسته به نوع گفتار یا به پسند خویش از این دست توصیه‌ها پند گیریم
یا ملال. از این جمله‌اند:

صرف فعل در سوم شخص مفرد برای جمع بی‌جان
حذف فعل به قرینه

پرهیز از تکرار واژه‌ها به ویژه افعال
پرهیز از سرگرفتن جمله با «و»، «اما» و...

هم، چند واژه دورآشنا را مرور می‌کنیم:

ازجا: از بیخ، از ته، اصلاً، به هیچ وجه
برگفتن: به بانگ بلند گفتن، اعلام کردن
تمیدن: بریده و با لکنت گفتن